

تاملى بر حذف يارانه خانوارهای با درآمد بالای ۲/۰ میلیون/۳ ابهامی که این طرح را به سرنوشت خوشهای احمدی نژاد مبتلا میکند!

بهمن ۱۸، ۱۳۹۳

سرا نجام انتظار بیش از چهار ساله بسیاری از مردم و همچنین **تولیدکنندگان** برای مشخص شدن وضعیت **يارانه های نقدی** و پرداخت به همه مردم روش شد. بعد از اجرای قانون هدفمندی يارانه به تدریج همه کارشناسان و مردم به این نتیجه رسیدند که اجرای این قانون به این سبک نمی تواند هدف اصلی طرح هدفمندی را تامین نماید.

دولت بازدهم در اجرای مرحله دوم قانون **هدفمندی يارانه ها**، اقدام به ثبت نام مجدد از مردم برای حذف داوطلبانه کرد که البته کاهش چندانی در تعداد متقاضیان دریافت يارانه نقدی که پیش تر تا ۷۷ میلیون نفر هم تخمین زده می شدند اتفاق نیفتاد. به نحوی که در آخرین آمار اعلامی از سوی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی همچنان حدود ۷۶ میلیون نفر در هر ماه يارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی دریافت می کردند.

البته بر پایه قانون بودجه سال ۱۳۹۳ دولت اقای روحانی می باستی يارانه نقدی را صرفا به سرپرستان خانوارهای متقاضی - که به تشخیص دولت نیازمند دریافت يارانه باشند - پرداخت می کرد که مجموع درآمد سالانه آنها، کمتر از رقم تعیین شده از سوی دولت باشد. اما این دولت بر خلاف نص صریح قانون، این بند از قانون بودجه را به دلایلی اجرا نکرد؛ تا اینکه سرانجام در بررسی لایحه جدید بودجه سال ۹۴ کمیسیون تلفیق مجلس طرح جدیدی را در ارتباط با حذف يارانه بگیران پردرآمد ارائه کرد.

با توافق نهایی دولت و مجلس در خصوص حذف يارانه پردرآمدان قرار شده است که يارانه درآمدهای بالای ۲.۵ میلیون تومان از سال آینده حذف شوند. بنا بر این مصوبه، از مجموع درآمد حاصل از هدفمندی

یارانه‌ها در سال آینده 37 هزار میلیارد تومان به منظور پرداخت نقدی و غیرنقدی موضوع ماده 7 قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به 4 گروه پرداخت می‌شود. به این ترتیب مجموع یارانه نقدی قابل توزیع در سال آینده 5 هزار میلیارد تومان کاوش خواهد یافت و این به معنی حذف یارانه نقدی حدود 10 میلیون نفر از ابتدای سال 94 می‌باشد.

بر اساس ماده 3 طرح کمیسیون تلفیق چهار گروه می‌توانند یارانه دریافت کنند:

۱- کلیه خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی یارانه می‌گیرند.

۲- عشایر و خانوارهای ساکن روستاهای

۳- کلیه بازنیشتگان کشوری و تأمین اجتماعی مشروط به اینکه حداقل مستمری تا 2.5 میلیون باشد.

۴- کلیه خانوارهایی که برای سازمان هدفمندی احراز شده و درآمد ماهانه آنها زیر 2.5 میلیون تومان است.

البته بدون شک اجرای چنین مصوبه‌ای در آینده با مشکلات و ابهامات فراوانی روبرو خواهد بود به نحوی که احتمالاً موجب بروز برخی از نارضایتی‌ها میان افرادی که مشمول این قانون شده‌اند را دربرداشته باشد.

در ابتدای اجرایی کردن هدفمندی یارانه‌ها موضوع خوش بندی اقتصادی خانواده‌ها مطرح شد که با اعتراضاتی شدیدی از سوی مردم و کارشناسان روبرو شد. در آن زمان دولت در نهایت مجبور به عقب نشینی شد و اعلام کرد که یارانه را به همه مردمی که ثبت نام کرده‌اند؛ پرداخت می‌کند.

با این حال در بند 3 مصوبه جدید کمیسیون تلفیق اعلام شده است که «کلیه خانوارهایی که برای سازمان هدفمندی احراز شده و درآمد ماهانه آنها زیر 2.5 میلیون تومان است.» یارانه نقدی تعلق می‌گیرد. این سخن بدان معناست که خانواده‌هایی که بیش از 2.5 میلیون درآمد دارند؛ یارانه تعلق نمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که موضوع حذف خانوارهای بالای 2.5 میلیون درآمد مهمترین چالش دولت برای اجرا در سال آینده خواهد بود. چرا که در آن چند موضوع مهم

نادیده انگاشته شده است.

1- مهمترین مفهوم کلی که در این مصوبه به ان اشاره شده؛ کلمه خانواده است. در حالی که در ادبیات هدفمندی یارانه ها از واژه سرپرست خانوار استفاده می شود. درواقع این سؤوال مطرح است که درآمد 2.5 میلیونی شامل سایر اعضاء خانواده نیز می شود یا خیر؟ آیا در خانواده ای که زن و مرد و یا حتی فرزند مجرد درآمد دارند؛ در درآمد کل خانواده محسوب می گردد؟!

اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد؛ بدین معناست که دولت بعضی از قوانین فقهی مبنی بر اینکه زن مسئول تامین مخارج خانواده نیست و می تواند ذره ای از درآمد خود را به خانواده اختصاص ندهد را نادیده گرفته ایم. از سوی دیگر ممکن است فرزند مجرد یک خانواده مشغول به کار باشد؛ اما درآمد فرزند خانواده به حساب سرپرست خانواده ریخته نمی شود! بنا براین درآمد فرزند خانواده را نمی توان به حساب سرپرست خانواده گذاشت. نکته‌ی بعدی اینکه از ابتدا مطرح می شد که یارانه سهم هر ایرانی است. اگر یک نفر به خاطر صرفاً درآمد بالای پدرش از یارانه محروم شود با اصل اولیه یارانه برای هر ایرانی متضاد است.

2- در درآمد 2.5 میلیونی هر خانوار به موضوع تعداد افراد خانواده و همچنین محل زندگی اشاره ای نشده است. این در حالی است که مطمئناً یک خانواده پرجمعیت در یک استان و منطقه برخوردار دارای هزینه بیشتری از یک خانواده کم جمعیت در یک استان کم برخوردار خواهد بود. به عنوان مثال یک کارمند دولت که در بعضی از مناطق شهر تهران زندگی می کند، در طول یک ماه از یک کارمند با همان ویژگی در یک شهرستان دیگر هزینه بیشتری خواهد داشت.

3- در ادامه بند 3 آمده است که «صرفه جویی حاصل از حذف خانوارهای یارانه بگیر در هر استان برای ایجاد اشتغال مولد و کمک به بنگاههای تولیدی همان استان به مصرف میرسد». این جمله نیز یکی از موضوعات اصلی اشکال به این مصوبه می باشد. نگاهی به آمار درآمدی افراد در سطح کشور نشان می دهد که اتفاقاً افرادی که از بیشترین درآمد برخوردارند هستند در استان های برخوردار کشور قرار دارند. در واقع اگر فرض کنیم بیشتر افرادی که قرار است از لیست دریافت یارانه ها حذف شوند؛ تهرانی ها باشند؛ کدام عدالت اجتماعی اثبات می کند که این پول صرف همان استان شود. چرا نباید عواید حاصل از هدفمندی و حذف یارانه بگیران پردرآمد به مناطق کمتر توسعه یافته

و کم برخوردار اختصاص پیدا کند؟

البته باید اینجا اذعان کرد که نفس حذف بارانه افراد پردرآمد اقدام درخور تمجیدی است اما این موضوع بدان معنا نیست که بدون بحث های کارشناسی و با عجله طرحی را تصویب نمائیم که سرنوشت آن چیزی جز سرنوشت خوشه های احمدی نژاد و سایر مصوبات و طرح ها نباشد که هیچگاه اجرا نشده و نخواهد شد.